پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (بیست وسوم) دوشنبه ۲۱ ـ اسد ۱۳۴۷ ه‍ ۱۲ ـ اگست ۱۹۶۸ ع

ا. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

یکی از علل ((رکود اقتصادی))

فقدان اداره ورهبری درست اقتصادی

درکشوراست

شاغلی وزیر مالیه هنگام ارائهٔ بودجه سال مالی ۱۳۴۷ در ولسی جرگه، نسبت به «رکود اقتصادی» درکشور اعتراف کرد (مراجعه شود بشماره گذشته پرچم). واقعیت عینی اینست که افغانستان پیوسته به رکود اقتصادی مزمن دچار بوده واست وتاوقتیکه اقتصاد ملی کشور ایجاد نگردد و مسأله تامین استقلال اقتصادی ضد استعماری وضد امپریالزم شعار عملی حکومتها قرار نگیرد، اوضاع به همین منوال خواهد بود. در زمره دهها عامل اساسی و فرعی علل رکود اقتصادی در کشور، یکی هم انعدم وجود اداره و رهبری درست منطقی و علمی اقتصادی است که در این مرحله تاریخی مقدمات آن تنها از طریق ایجاد یك حکومت دموکراتیك ملی تدارك شده میتواند.

ساختمان مادی وفنی بنیان یك جامعه «مترقی ومرفه» مستلزم ایجاد یك اداره مترقی ورهبری صحیح اقتصاد ملی وتنظیم پلان کار است، که افغانستان فاقد آن میباشد.

وظیفه اساسی یك اداره و رهبری اقتصادی سالم و مترقی طبق پلان عبارت از جلو گیری جدی و پیگیر از مصارف زاید و بیمورد وزیانبخش از عواید دولت واشخاص ونظارت دقیق در برابر سؤ استفاده و اختلاس از یکسو و استفادهٔ معقول ومثمر از منابع مادی، کار ومالی و ثروتهای طبیعی کشور با سرعت وصحت کامل ازسوی دیگر است.

بکمال تاسف باید اظهار داشت که عکس آن تا کنون در حکومتهای افغانستان که خود وسیله بدبختی های عظیم خلق گردیده اند، حیف ومیل نیروهای مادی وحتی منابع طبیعی کشور به حد اعلای خود رسیده است وزین نیرو ها ومنابع بصورت کیف ما یشاء مورد سوء استفاده های اشخاص قرار میگیرد.

طبق تخمینا تیکه متخصص خارجی وداخلی طی پلان های اول و دوم نموده اند، حد اوسط در حدود سالانه بیش از نصف بودجه قلیل وناتوان عادی وانکشافی دولت در راه های غیر اقتصادی، بصورت غیرمعقول وبدون ثمربهدر رفته ویا مورد سوء استفاده و دستبرد اشخاص قرار گرفته است.

شرط ضروری ساختمان اقتصادی یك جامعه عبارت است از: «نیل به بهترین نتایج به نفع جامعه با حد اقل مصارف» که از طریق ایجاد یك ادارهٔ مترقی و رهبری معقول اقتصادی امکان پذیر است، نه از طریق حکومتهای ضد دموکراتیك وضد ملی واداره کهنه ایکه وسیله طبقات حاکمه ستمگر واستثمارگر وطفیلی جامعه اند.

از آنجا ئیکه ما در شماره گذشته راه حل معضلات مالی واقتصادی کشور را به عموم طنان وعده داده بودیم، بصراحت اعلام میداریم که تنها از طریق تحول بنیادی درحیات اقتصادی و سیاسی میتوان اداره مترقی ورهبری درست اقتصادملی را بوجود آورد و دستگاه اداری را مرحله بمرحله از هر جهت ساده وکم خرج کرد.

در چنین شرایط نظام نوین اقتصادی ـ اجتماعی است که: ـ رهبری واداره جدامتوجه تسریع آهنگ رشد اقتصاد وفرهنگ میگردد.

(ص۳)

داجتماعی مبارزی په باره کی

هره مبارزه خانته ستراتیژیکی او تاکتیکی هدفونه اومرحلی لری. باید دمبارزی هدفونه‌وبنیان، علمی واقعی‌او له تاریخی جهته د حصول وړ‌وی. که دمبارزی هدفونه خرګند، علمی، واقعی‌او له تاریخی جهته دحصول وړنه‌وی په هغه صورت کی مبارزه‌بوعبث اوبیهوده تلاش‌دی. دمبارزی هدفونه په معمو لی ډول په دو بر خو ویشل کیږی :ورووستی (نهائی) هدفونه چه د ستراتیژیکی هدفونو په‌نا مه‌یادیږی اود مبارزی دا نکشاف معین دوران(ستراتیژیکی مرحله) احتوا کوی .

دمثال په ډول سو سیالستی‌ټولنی ته‌دسرمایه داری ټو لنی دبدلو لو دپاره باید یوه ستراتیژیکی مر حله طی کړو (په هغو ټو لنو کښی چه ما قبل سرما یه داری روا بط تسلط لری اود نهضت په ملی اودموکراتیك مر حلی کی دی هلته دمبارزی د هدفونوویش فرق لری ،لکه چه‌په افغانستان کی دنهضت په اوسنی (ملی اود موکرا تیك)مر حلی کی زموږ ستراتیژیکی هدف د ملی دموکرا سی حکومت جوړول‌دی.)

باید ستراتیژیکی هدفونه، پرانه له‌دی چه هغو ته د رسیدو مشکلات په‌نظر کی ونیول شی، په‌جسارت سره د ټو لنی علمی تحلیل په‌اساس طرح شی . باید ستر ا تیژیکی هدفونه رو ښانه وی او هیڅ ډول ابهام ونه لری . تر څو چه یو مبارز پوه شی چه‌له څه‌سره مواجه لری او له کوم شی سره مخالف دی .

ستراتیژیکی هدفونو ته درسید لو دپاره باید څوتاکتیکی مر حلی‌تیری کړو . له تا کتیکی مر حلو سره متناسب باید تاکتیکی هدفونه طرح شی .باید دتاکتیکی هدفونو په مطرح کو لو کی ټول موجود شرایط، ټول مشکلات، ټول مثبت او منفی شیانو په نظر کی‌ونیول‌شی، خپل قو تونه‌اود مقابل لوری قوا وی وسنجول‌شی اوهغو ته دا سی هدف و ټا کو چه له تاکتیکی جهته یعنی دیوی لنډی مر حلی د پاره په وا قعی ډول د حصول وړ وی . له ستراتیژیکی او تاکتیکی هدفونو سره سم ستراتیژیکی او تا کتیکی ناری (شعارونه) مینځ ته راځی.

برسیره‌په ستراتیژیکی اوتاکتیکی نارو ، عملی ناری هم شته چه درو ځنی‌مبارزی د هغی یاد غی مشخصی بر خی دپا ره وی .

دتاکتیکی مرحلواوله هغوسره‌سم دتاکتیکی شعارونو اود عمل دداسی صحیح نارو د ټا کلو مسا له چه‌د مجهز کو لو قدرت او لری دیره مشکله مسأ له‌ده چه یواځی‌هغه‌وخت په‌صحیح ډول حل کیدای شی چه معینه ټو لنه ښه‌و پیژندل شی . دهغی‌دو دو نه، رو حیات ،د طبقا تی قوا ؤ تناسب ، دا نکشاف تمایل او داسی نورې‌په‌نظرکی ونیول شی .

دتاکتیکی مرحلو او ورسره‌دتاکتیکی نارو په ټا کلو کی هر ډو ل هرج او مرج او غلط تشخیص ډیری بدی نتیجی منځ ته راو لی .

په‌مبارزه‌کی دقواؤ تشخیص، حد بندی او تجز یه یا په‌بل عبارت دقوا ؤ دیا ګونستیك د مبارزی په موفقیت او نه مو فقیت باندی‌نیغه اغیزه لری . په‌هره مبارزه کی‌حاصله نتیجه‌دهغو قوا ؤ په‌تنا سب پوری اړه لری چه‌په‌مبار زی کی ئی ګډون کړیدی . له‌همدی کبله دقواؤتناسب او آرایش دمبارزی د فن له مهمو ټکو څخه دی . باید په مبار زی کی طر فدا ر قو تو نه، مخا لف قو تو نه اوبی طرف قو وتو نه په صحیح ډول تشخیص شی . همدا شان‌په‌بی‌طرفو (۳مخ)

وسایل وافزار کار زراعتی دهقانان افغانستان تقریبا

افزار ووسایل دوهزار ساله است

وضع رقتبار ملیونها دهقا ن کشور حقیقت تلخ و آشکا را ست. مابار ها علت این وضع را که چرا توده‌های عظیم دهقا نان افغا نستان در گرداب فقر، جهل ومر ض فرو رفته اند تشریح کرده ایم. باز هم خاطر نشان میکردد که علت وضع فلاکتبار دهقانان ناشی ازدو نقص اساسی میباشد . اول آنکه:وسایل وافزار کارزراعتی د هقانان فوق ـ العاده کند، ابتدائی، ناقص ومربوط به تقریبا دو هزار سال قبل است.

دوم آنکه: حاصل دسترنج و زحمت وکوشش دهقانان بنا بر مناسبات فرتوت فیودالی تصر ف میگردد .

ما علت اولی را مطرح بحث قرار میدهیم:

افغانستان دهها سال است کــه وزارت زراعت دارد وملیو نها پو ل مصرف بودجه آن گردیده‌است،ولی تاکنون افزار ووسایل زرا عتی د ر کشور تقریبا همان وسایل وافزاری است که در دوره «تمدن قدیم بلخ» ودر یونان باستان بکار میر فته است . قلبه (گاو آهن) مظهر کهنه ترین وسیله کار زراعتی ا ست که تاکنون در حیات‌زراعتی کشورتسلط کامل دارد . دهقا نان محنت کش افغانستان روز ها بازحمت طا قت ـ فرسا با تمام اعضای خا نوا ده‌فقیر اعم از زنان،پسران‌و دختران‌پژمرده وگرسنه خویش قلبه چوبی‌ویاآهنی فرسوده وشکسته خویش را گــه بوسیله حیوان وحتی زنان ویا خود شان با ین طرف و آنطرف زمیــن سخت، لاغر وکم آب میکشا نند و کلوخهای آنرا بو سیله بیـل خورد میکنند ویا از فا صله های بعیدخاك زراعتی رابه دوش حمل مینما یند وروز ها رنج میکشند تا یك قطعه زمین کوچك را تخم ریزی و ما ــه کنند. وا ضح است که بااین وسایل ابتدائی کار، محصول نا چیز بدست خواهد آمد. همچنان باید در نظر داشت که دهقا نان در هنگام آبیاری نیز با رنجهای فراوان و نزاع ها ی مهلك مواجه اند. البته بنابرفقدا ن وسایل درست کار ، زندگی زراعتی دهقانانی که زندگی شان وابسته به زمینهای للمی است بمرا تب بدتر است. زیرا در موقع خشك ـ سالی زراعت از میان میرود وچیزی برای زندگی بخورو نمیر بـر ای دهقانان باقی نمی ما ند .

سوال در اینجاست‌که چراوسایل وافزار کار دهقانان کشور تا کنو ن در همان وضع ابتدائی خود با قـی مانده ورشد وتکامل نیا فته است؟ این مو ضوع مر بوط به تسلـط مناسبات کهنه تولیدی وزرا عتـی است . به این‌معنی که تا زحمتکشان ده یعنی‌توده‌های عظیم‌دهقانان کاملا از حا صل رنج خــویش استفاد ه نکنند، هیچگاه ابتکار واستعدادهای خلاق آنها در راه بهبود و تکا مـل افزار کار و افزایش محصول، بکار نخواهد افتید . در هر جا معه یی‌که بنابر تسلط‌مناسبات کهن اقتصادی‌ـ اجتماعی ثمره کـار زحمتکشا ن تصرف گردد تولیدات داخلی تقلیل خواهد یافت ، عواید ملی کشـور اضافه نخواهد شد، درعواید دولت افزایش بعمل نخواهد آمد وطوریکه وزیر مالیه دربیا نیه خویش اعتراف کرد، کشورمواجه‌به«رکود اقتصادی» خواهد گردید.

زندگی چندین ملیونـی خـانواده دهقانان مبین این‌حقیقت است کــه دهقانان افغانی‌همیشه ازحاصل رنج خویش‌محروم بوده‌وتمام بار سنگین جامعه وتولیدات وعواید‌ملی‌بردو ش ناتوان آنها سنگینی میکند . ولی بالعکس طبقات حا کمه و ستمگــر کشور بصورت طفیلی از دستر نج آنان شادو خرم زندگی می نما یند .

در عرض ده‌ها سال که افغا نستا ن وزارت زراعت دارد کو چکترین گام اساسی در راه بهبود او‌ضـا ع اقتصادی، اجتماعی‌دهقانان برداشته نشده وکوچکترین اقدام مؤثر برای (ص۳)

حقایقی درباره ترکیب اجتماعی جامعه ما

ملاکین فئودال: از آنجا ئیکه شیوه مسلط تولید در جامعه شیوه تولید فئودالی است، بنابرآن تضاد عمده جامعه مارا تضاد بین ملا کین بزرگ ارضی‌وتوده‌های عظیم‌دهقانان (بار تباط تضاد اساسی خلق ما باامپریالزم) تشکیل میدهد .ملاکین فئودال دشمن وا ستثمار گر عمده خلق کشور بوده وبا وصف ضعف عددی آنها نیروی بزر گ ار تجاعی رادر افغا نستان تشکیل مید هند.

ملاکین بزر گ ارضی، ار بابان وخوانین در تاریخ گذشته کشـور پیو سته سد عظیمی در برابر رشد اجتماعی ـ اقتصادی‌وسیا سی بوده‌ـ اند وا کنون نیز هستند . ملاکیـن فئو دال از لحاظ اقتصا دی واجتماعی تسلط کامل در جا معه ما دارنـد وبخش عمده وسا یل تولید را مالك استند (تعدادی از ینها هر یك از ـ بیست تا پنجاه هزار جر یب زمین‌را در اختیار دارند وحتی بعضی از ولسوالی های کشور کا ملا بصورت در بست به‌یکی دو خانواده ملا ك فئودال تعلق میگیرد.) بد ینجهت مبارزه ضد فئو دالی سنگ تهداب مبا رزات نجات بخش مارا در مرحله کنونی تار یخی تشکیل میدهـد . چون این مو ضوع بصورت مفصـل درمضمون «ملا کین فئو دال د شمن عمده طبقاتی خلق افغا نستان» منتشره در شماره هشتم پرچم‌تحلیل گر دیده است ، از تفصیل بیشتر در ینجا صرف نظر مینمائیم .

سود خوا ران: سود خوا ران ده همگام باملاکین بزرگ در غا رت دهقا نان شر کت میکنند واینها تقریباً دارای تما یلات سیا ســی وخصو صیات اجتما عی شبیه‌ملاکین فئو دال استند وجز ونیرو هـای ارتجاعی به‌حساب‌میآیند. سودخواران در دهات کشور دهقا نان را خانه خراب‌و متواری‌میسا زندودر شهرها با استثمار بی بندو بار، کسبه وپیشه ورا ن را بو ر شکستگی میکشا نند .

بورژ وازی: سرمایه دار ان در افغا نستان به‌دو گروپ‌تقسیم میگردد که بورژ وازی بزرگ یعنی همان بورژ وازی وابسته به امپر یا لیزم (بورژ وازی کمپرا دور)وبورژوازی متو سط یعنی به اصطلاح بورژوازی ملی میبا شد .

گرچه تعر یف بسپیار دقیقی برای بورژ وازی کمپر ادور و«بورژ وازی ملی» فعلا نمیتوان ارائه کرد ، زیرا اصلا منا سبا ت سر مایه داری در کشور هنوز قوام نیافته ودر مرحله کاملا ابتدایی خود است وا صو لا تقسیم بندی بورژوازی به«بورژوازی ملی» وبورژوازی‌کمپر ادورکارمشکلی است وسرحدمعینی بین آنهادروضع کنونی مشخص‌بوده‌نمیتواند، چه‌هیچ یك از آنها در وضع‌مالی ثابتی‌باقی نمیمانند ، هردو استثمار گرنــد وبرو سه رسوخ متقابل بین آنها در جریان است . اما ملاك اساســی تشخیص این دو گروه بورژ وا زی از هم ، ملاك اقتصا دی است‌وهریك طریق ونظر خاص خود را در برابر سر مایه خار جی، رفورم هــای اقتصا دی وا جتماعی وتحو لات اجتما عی دارند . وهم اینکه عاید عمده بورژ وازی متوسط از طریـق تولید وتو زیع دا خلی بدست میآید در حالیکه عاید عمده بــورژ وازی کمپرا دوررافعالیت تجاری‌واقتصادی همراه با امپر یالیزم تشکیل میدهد.

«بورژ وازی ملی» در حا لیکه‌بنابر شرا یط خاص افغا نستان هنـوز به منا بهٔ‌یك‌طبقه ظاهرشده نتوانسته‌ـ است طرق وشرایط رشد آن مغلـق ومتضاد است ، چه‌از یکطرف بــا انحصا رات‌خار جی ، طبقات‌رو بزوال وبورژ وازی کمپرا دور واز جا نب دیگر با طبقه کار گر وزحمتکشان کشور مخا لفت مینماید . بد ینلحاظ نا گذیر است که اتحاد های سیا سی مو قتی را بصورت غیر منشکل‌بااین یاآن مخالف خود تشکیل یا مانـور کند، که نتیجه آن تزلزل ودودلـی ونا استواری درپا لیسی های آن در برابر مبا رزات ضد امپر یا لیستی وتحو لات دمو کراتیك در جامعـه میبا شد. همچنین بورژ وازی‌متوسط (بورژ وازی ملی) که مزاج دو گانه آن روز بروز ظاهــر شده میر ود ، در برابر فئو دالیسم نیز طر فدار انجام رفورم های نیم بندو ناقص میبا شد که فقط منجر به محدودشدن مو سسات فئو دالی ونیمه فئودالی گردد .

معهذا بورژ وازی متو سط دررزمره متفقین در جبهه دمو کرا تیك وملی قرار میگیرد.

توسعه بازار داخلی وارتباط بیشتر (ص۳)

بازهم درباره ((وضع خطیر اقتصادی

ومالی)) کشور

درمو ضو ع خرا بی و ضع مالی دو لت، علل و نتایج آن‌قبلاتحلیلاتی رادر پر چم ارا ئه‌نمـوده ایـم . در درمضمون «یك نظر اجما لی برمنا بع ما لی‌پلان پنجسا له سوم کشور» منتشره در شما ره هـای چـهار م وپنجم ، مستند بر ارقام و حقایق نشان داده‌شده که از یکسو عواید نا چیز وخیلی محدود کنو نی دولت، بااینکه قسمت قابل ملا حظهٔ آن‌از طریق امداد ها و قرو ض خا ر جی تدارك میگردد، جهت تسریع آهنگ رشد اقتصاد و فر هــنگ کشـور فو قا لعاده ناکا فی میباشدوازسوی دیگرعدم درك وتوانا ئی حکو متهای گذشته‌وفعلی در افغانستان ، بنابر ما هیت طبقا تی آنها ، مـا نـع آن گردیده است که ا قتصاد ملی ما سریع‌وهمه جانبه رشد نما ید ،منابع عمده‌وا ساسی عایدا تی کشور مورد استفاده صحیح قرار گیرد و سطح حیات مادی و فرهنگی مردم‌بالابرده شود. همچنین وضع‌بحرانی ما لی دولت درمضمون دیگری منتشره در شمارهٔ نزدهم مورد بر رسی قرا ر گر فته وکرتیك شده است . معهذا درینجاصرف‌به نکاتی‌چنداز‌اعترافات بناغلی وزیر ما لیه را جع‌به «وضع خطیر اقتصادی وما لی کشور» که حین ارا ئه بود جه سال ۱۳۴۷ در شوری صورت گر فته است، اشاره می‌نما ئیم :

در مقدمه بیا نیه بناغلی‌وزیرمالیه گفته میشود : «در چند سال اخیر بنابر تو سعهٔ مداوم پرو گرا مهای انکشافی ممکنت حجم بودجه‌سالانه دو لت بلند رفته...» سوا لی‌بمیان می‌آید که تو سعهٔ کدام پرو گرامهای انکشا فی؟ اگر مادر نیمهٔ سال دوم پلان‌پنجساله سوم قرار داریم ، به شهادت اعدادوا رقام‌رسمی‌درمی‌یابیم که مصارف انکشا فی پیش‌بینی‌شده پلان سوم‌باتفا یسه‌مصارف‌پیشبینی‌ـ شدهٔ پلان‌دوم ۱/۶ ملیارد ا فغانی کمتراست ودر عمل این کسر بازهم بیشترخواهد بود . پس معلوم است که مصا رف‌عادی دو لت افزا یش یافته است ،در حا لیکه قسمت‌قابل ملاحظهٔ آنرا مصارف «امنیتی» وزاید اداری وتشر یفاتی تشکیل مید هد. مثال برجسته آن منظوری پنجصدوـ پنجاه و سه ملیون ا فغانی بود جه مصرفی اضا فی از طریـق فرمـان تقنینی، علاوه بر بودجه‌تصویب‌شده تو سط و لسی جر گــه در اوا خر حکومت میوندوال می‌باشد، که این امر ازطرف‌شوری یك‌عمل صریحاً خلاف قانون اسا سی کشور خوا نده شده است، که و کیل ببرك کارمل عضو فرکیسون دمو کرا تیك خلق درپارلمان افغا نستان حین بحث ورأی گیری برین مو ضوع در جلسهٔ (ص۲)

شماره آیندهٔ پرچم به‌مناسبت پنجاهمین سال قیام ملی ضداستعماری خلقهای دلیرافغانستان بخاطر آزادی، استقلال وشرافت ملی بـروزاول سنبله ۱۳۴۷ نشرمی شود

پرچم

دافغانستان دخلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

۲۱ـ اسد ۱۳۴۷

رویدادهای مهم سیاسی جهان

درهفتهٔ گذشته

در شرق میانه:

شو رای امنیت شکایت اردن راعلیه اسرا ئیل تحت بحث قرار داد. اردن از شورای امنیت موسسه‌ملل‌متحد تقا ضا کرده‌است کـه جهت جلو گیر ی از حملات اسرا ئیـل تدابیری اتخاذ نماید.

نماینده اردن اظهار داشت کـه‌آتش قوای اسرا ئیل بالای ار دن خا مو ش نشده ودر اثر آن صد هانفر به قتل رسیده اند ویگا نه را ه جلو گیری از تجاوزات اسر ائیل اینست که‌قوای‌اسرائیل‌ازسرزمین‌ـ های اشغالی اخراج گردند .

نماینده سو ریه ازشو رای امنیت‌خواست که این شورا برای جلـو گیری از حملات اسرا ئیل تدا بیر‌ثوری اتخا ذ نماید . در عـکس آن هرحادثه ایکه‌در شرق میانه رخ دهدمسول آن ملل‌متحد وشورای امنیت است .

نماینده هنگر ی در بیا نیه خـودضمن پشتیبانی از کشور های‌عربی اظهار داشت : اسرائیـل کا نون‌تجاوز وجنگ است . اگر شو رای امنیت این‌کانون خطر ناك راخاموش‌نسازد ، کشور های سو سیالستی به همد ستی کشور های عربی این‌منبع تجاو ز را خا موش خوا هـنـد سا خت .

روز نامه سو یتیکا رو سیادر یکی‌از‌شماره های خود ضمـن اظهار نظر برتجا وزات اخیر اسرا ئیل مـی‌نویسد : کشور کو چك اسرا ئیل طبق نقشه‌های امپریالیزم‌بین‌المللی‌فیصله های شو رای امنیت ملل‌متحد را زیر پا می‌کند. روز نامه عــلاوه‌می نماید که اسرا ئیل به حمایه وپشتیبا نی امپر یالیزم خود رابیك‌حمله بزر گ بالای کشور های‌عربی آماده میکند .وتمام نقشه های این‌تجا وز در خارج از اسرا ئیل‌طرح گر دیده است .

در ویتنام: جنگ وخون ریز ی در ویتنام به شدت ادامه داردوتلفات سنگینی به هر دو طرف واردمیشود. طیا رات امر یکایی حملات خــود را برو یتنام شمالی شدت بخشیده‌است وهر روز صد ها نفر از افراد غیر نظامی را بقتل‌می رسانند . شهرها، قصبات وفابریکات‌را ویران‌مینمایند.

تعداد طیا رات امر یکایی که‌در خاك ویتنام شمالی سقوط داده شده‌است به ۳۰۸۷ عدد رسید . در قسمـت جنوبی ویتنام جنگ های شد یـدی بین عسا کر امر یکایی وویتکا نگها ادامه دارد . در حدود هفتاد هزا ر عسکر امر یکایی شهر سیگو ن ر ا محا فظه مـی کنند و درهر لـحظه منتظر حمله بزرگ ویتکا نگها بـر شهر سیگون میبا شند .

ویتکا نگها یك پل بزرگ‌هفتصد متری راکه سیگون را به مصب‌دریای میکا نگ وصل می کرد ، از بـیـن بردند . در حادثه انفجار این پـل چهار نفر امر یکایی و۲۲ نفرعسکر ویتنام جنوبی بقتل رسیدند . طبق اطلاع فرانس پرس ویتکا نگهادوعدد طیاره بی پنجا ودوی امر یکـایی را در حوالی منطقه بیطرف سقوطدادند. در حوالی‌منطقه بی طر ف، دراطراف هویی ودیگر شهر های بزرگ‌ویتنام جنوبی جنگ های شدیدی جریـان دارد وده ها نفر امر یکایی ومتحد ین آن بقتل می رسند . فشار جنگ روز تا روز بر مردم امر یکا بیشتر شده می رود . مجله نیوز ویـك امر یکا یی در آخرین شماره خـود می نویسد : از اول ۱۹۶۷ الــی جولای امسا ل ۲۱۴ عسکر امر یکایی از ترس جنگ دیوانه شده انـد و بسیاری ازعساکرامر یکایی به‌امراض مختلف روحی دچار شده اند .

در پاریس کنفرا نس صلح ویتنـام با شکست مواجه گردیده است . نطاق هیأت نما ینده گی ویتنام‌شمالی به نماینده گان جرایدگفت که‌امریکا حاضر نیست گامی در راه صلـح بر دارد .

نطاق مذکور اظهار داشت که‌باید امر یکا به بمبار دمان ویتنام شمالی خاتمه دهد ، جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی را بر سمیت بشنا سد وبا آن نماینده گان آن داخل مذا کره شود، درغیر آن‌راهی برای استقرارصلح‌در ویتنام وجود ندارد .

در اروپا :

منشی اول حـز ب کـمـو نست چکو سلوا کیا طی‌بیانیه‌یی در رادیو پراگ اظهار داشت کــه کنفرا نس احزاب برادر در برا تیسلاوا موفقیت آمیزبود. او تاکید کرد که جـا ی چکو سلوا کیا‌در جامعه کشور های سو سیا لستی است . چکوسلواکیا در کنار کشور های سو سیا لستی وجنبش کـار گـری قـر ار دارد وچکو سلوا کیا در پیمان وارسا‌باقی خواهد ماند ومناسبات اقتصا دی خود را درچهار چوب شو رای‌کمك‌ـ های اقتصا دی تو سعه خوا هدداد.

چرنیك: چکو سلواکیا در ختم جلسات احزاب کمو نستی اظهـار داشت کـه‌ار تباط مابا خا نــواده سو سیا لستی تقویه بیشتر یا فت وآینده مابا کشور های‌سوسیالستی محکمتـر گردید . ما سیاست‌خودرا در مسیری جر یان خواهیم داد که‌نه با اتحاد شو روی ونه بادیگر‌کشور‌ـ های سو سیا لستی مغایرت داشته باشد .

خواست جدی وقانونی مردم است که کارگران

سپین زر وشاگردان‌لیسه شیرخان دوباره شامل کار ولیسه شوند

جریدهٔ پرچم در شماره‌های (۲۰و ۲۱) مطالبی را پیرامون اعتصـاب قانونی کار گران سپین زر شر کت قندز و حبس چندین‌نفر از کارگران وسه تن از متعلمین لیسه شیر خان نشر کرده بود .

قرار معلوم از جملهٔ کـار گران زندانی سه نفر کار گر باشهامت و وطنپرست و سه نفر متعلم ، تاهنوز که دوبین ماه از حبس آنان‌میگذرد، خلاف ماده (۲۶) قانون اسا سی در زندان بسر می برند .

قرار اطلاع ، دوازده نـفـر کارگر آزاد شده از حبس را باسه تن دیگر که تا هنوز در حبس اند ، به بهانه اضافه بستی و دوازده نفر کارگر دیگر را به بهانه های غیـر قانونی دیگر از کار اخراج کـرد ه اند .

از طرف دیگر بنابر تحریـك استثمار گران فابریکه سپین زر ـ شرکت و مقام ولایت قندز بو لیس دوسیه هـی به اصطلاح «جنائی» کار گران را ساخته وخارنوالی آنجا هم برایشان اقامهٔ دعـوی کـرد ه است .

همچنان سه نفر از شاگردان بـا استعـداد صنـف ۱۱ و ۱۲‌لیسه‌شیرخان‌قندز: محمد سرور محمد ولی وعزیز الله بنام شر کت کنندگان در مظاهره ، ازین دو سیه جعـی شاملند ومدت نزدیك به دوماه است که خلاف قانون در تو قیـف بسر می برند .

اطلاع‌میرساند که تمام محافل‌تحول طلب‌وزحمتکشان شهر قندز صدای اعتراض خودرابراین‌خودسری‌وقانون شکنی اداره ولایت‌قندز‌وسپین‌زرـ شرکت بلندواز‌حقوق مسلم وقانونی کا رگران و شاگردان وطنپرست بـه جدیت دفاع مینمایند .

خواست جدی و قانونی مردم است که باید کار گران و شاگردان‌اخراج شده، دو باره شامل کار و لیسـه گردند !

* * *

تازه ترین اطلاع میرساند که‌سه نفر کارگر و سه نفر شاگرد لیسه‌از زندان آزاد گردید .

خبریال علاوه میکند کـه رهائی کـا ر گـر ا ن در شـا گـر دا ن با احساس لیسه شیـر خـا ن و دارالمعلمین و تمام زحمتکشان بـا شعور شهر حالت شور و هیجا ن‌به وجود آورده بـود ، شاگردان بـا هوش همه‌جا حلقه‌هائی دائر‌میکردند وسخن بر سرموضوع‌رهائی پیروز‌ـ مندانهٔ کارگران شریف‌ووطن پرست بـود ، احساس و شعـو ر ملـی وآزا دی خواهانه شـا گـر د ا ن لیسه ودارالمعلمین قندز وبا منطقی که از موقف موضع کار گران دفاع مینمودند، قلوب شهر یا نرا پـر از نشاط کامیابی میکرد ودر عین حـال زحمتکشان واجـوا نـان‌رو شنـفکر تعدی و بیداد وقانون شکنی ولایت وکار فر ما یان استثمار گر و مغرو ر سپین زر را جداً تقبیح میکردند .

پرچم: این احساس و همدرد ی‌و درك نجیب و بیداری شاگردا ن‌لیسه و دارالمعلمین و زحمتکشان شهر و دهات قندز شاد باش میگوید واز پشتیبانی ذهنی و شعوری آنان از مبارزهٔ شجاعانه وقانونی کار گران فدا کار از صمیم قلب تمجید‌مینماید واعلام میدارد که یگانه راه‌پیروز ی‌نهضت ، وحدت وهمبستگی‌وپشتیبانی آگاهانــه ازمبارزه مشترك خلقها در راه‌آزادی ودمو کراسی ورشد سریع‌اقتصاد وفرهنگ‌وترقی‌اجتماعی است.

درود گرم به کارگران وشاگردان‌دلیر ووطنپرست وزحمتکشان شهر ودهات قندز!

نوای خواهر،

نوای رهپوروراه نجات زن،

که درد مردمت را خوب میدانی،
که سوز مردمت‌را خوب میفهمی،
که میدانی که زن در کشور ت‌محکوم محکوم است،
که میدانی که زن در پیش زورو زر .
اسیر ظلم و مظلوم است .
که میدانی که این بدبخت بـی فرجام بی هستی،
به پهنای همه تاریخ ما بی هیچ‌تشکیلی ،
بسر گردانی تابوت یك‌نفرین،
بسر برده است عمرش را .
که میدانی‌که طفلش بانن عریان،
زجور زندگی نوروز را نادیده میمیرد.
که‌میدانی جوا نش از مـر ض‌همرنگ پائیز است .
که پیرش را سری لرزان ،
ودستی سر دوبی چیز است.
نوای همـراه مـن‌ای‌رهرو راه نجات زن !
تو ای همرزم من‌ای شاعر شیرین‌زبان خلق!
ازین هم بیشتـر با شعـر پـرشورت:
بکش فریاد زن را از دهان‌خلق!!
بده جا نش !
بکن درمان دردش را !
بگیر آن دست لرزا نش !
که تا هریك میان هر ده و هــرشهر،
بر انگیزند زن ها را ....
واینان : همچو آن «ناهید» پرنورفروزان،
در دل تاریك شب هـای سیـه‌تابند .
ودر تاریکی این شب، به عز می ناشکن، با جنبشی پیگیر :
چراغ راه آزادی زن هـا رابرافروزند.
وفردا: زیر رنگین پرچم خلقی که‌آزاد است !
صدای زن چنین پیچد :ـ
« درود گرم بر زن های قر با ن‌گشتهٔ دیروز !
به هر خلقی !
بهر رهپرور راه نجات زن!
که ما با قیمت‌رنج‌توا نفرسایشان در رزم ودر پیکار
آزادیم!... آزادیم!! »

(ل.ك)

قربانیان راه ناهموار پنجشیر

ساعت (۱۰) روزپنجشنبه ۱۷ـ اسد ۱۳۴۷ یکعرا ده سر ویس کرا یـی بدر یوری شه مقصود باشنده قریه «درخیل» رخه پنجشیر، ظاهراً باثر شکستن اشترنگ ویا عوا رض دیگر تخنیکی در قسمت« زاغ آبی‌دان» راه تنگ، در قعر دریای عصیا نگر وکف آلود پنجشیر سر نگون‌گشت.

ویکباردیگردر حدود۷۶تن‌ازفرزندان نیاز ها، رنجها وحرما نهای‌بی پایان دره های هندو کش در کام امو اج خو نخوار وغول‌پیکر در یای‌پنجشیر فرو رفت .

از جمله کلیه را کبینی که قربانی بی مبا لاتی ها گر دیده اند . تاروز جمعه (۱۸ اسد) صرف ۲۱ نعش،ده نفر زخمی‌ودو نفر تندر ست‌دستیاب گردیده است .

خبر یال پر چم اطلا ع میدهـد که وا بستگان غرق شد گان هنوزهم بهمکاری خلق شر یف‌وز حمتکش گلبهار وکو هستان در راه یـا فتن نعش‌ها، ونشانه های اجساد قربانیان «راه تنگ» پنجشیر به مساعی نوع دوستانه خود بدون‌احساس خستگی ادامه میدهند .

خبریال پرچم میفزاید که از زمره ۲۱ تن ازقر بانیان ۱۹ تن آن قا بل شنا خت بود که باقارب شان‌سپرده شدند ، ولی دو تن دیگر بصو ر ت اما نت در مرکز ولسوا لی پنجشیر دفن گردید وبکمان قریب به‌یقین‌این دوتن ازشهر کابل بوده وشاید به تفریح میرفته اند. آنچه که‌مایه تاثر عمیق است اینستکه: طی ایـن هفتـه د ر حـدو د یـکـهـز ا ر خانواده زحمتکش‌بابیش از پنجهزار عضو سو گوار اند وبر گلیم غـم خو یشا وندان ونزد یکان خـــود نشسته اند .

درین فا جعه‌غم انگیز، یك خانواده پنج نفری خلق «شتل» که بخاطـر تداوی کو دك بیمار ونیمه جان خود به شفاخانه آمده بودند، نیز تباه گردیده‌است،همچنان‌لااقل سه‌فامیل از اهالی قراء مختلفه رخه پنجشیر نیز درین حادثه دل خراش‌واسفناك خود را تا مدتهای درازی داغـدار سا خته اند .

خبر یال پرچم افزود که زخمیان توسط عبدا لقدوس کار گر فابریکه نساجی گلبهار وبمصرف شخصـی وی‌تارو غتون های مرکز کابل‌انتقال داده شده اند .

خبر یال‌پرچم جهة عیادت بیماران وزخمیان این‌حادثه‌غم انگیز به‌روغتون هائی که در آن زخمیان تحت تداوی بودند رفت . او گفت :

غالب زخمیان از کار گران پروژه آبیاری پروان‌ودیگر وپروژه هایی‌اند که‌در راه‌شا دابی وترقی وطن‌محبوب ما افغانستان کار وفعا لیت‌مینمایند.

یکی ازین زخمیان در پاسخ این سوال: «اکنون که تصادفـا از مر گ نجات یافته اید برای خود چه امیدی دارید ؟»

گفت: «یگانه ار مان وآرزوی مـا اینست که هرچه زود تر صحـت شویم وبکار خود بر گردیم، زیرا با اندك وقفه ولو وقفه جبری هم‌باشد، شاید از کار بر کنار واضافه بست شویم که بیکاری خود برای مـا کار گران بی‌زمین بمراتب کشنده‌تر ودرد آور تر ازین مرگ های آنـی وزود گذر است.» خبر یال پر چم گفت : هرچند علت ظاهری سقـوط این بس شکستن اشتر نگ ویادیگر عوارض تخنیکی وا نمود شده است، ولی خلق پنجشیر علت عمده ایـن کونه وقایع‌را بصورت عموم در تنگی راه، در غیر فنی بـود ن ساختما ن را ه و در حر ص و آز مـوتـر ـ دا ران سود پر ست ، در بی‌مبالاتی عـمال حکـومت ، مـخصو صا وزارت فواید عا مه ودر بی علاقگی والیان کا پیسا وپروان بحیـات واحتیاجات مردم میبینند ازینـد ، زیرا طی ۲۴ سالیکه این راه تاریخی‌بهمت مردم شتل وپنجشیر اماده آمدو شد وسایط حمل ونقل گـردیده است ، تا کنون بیش از چهل مـوتـر ودر حدود بیش از دو صد انسان‌آرزومند باد نهای آکنده از عشق به کاروطن وعشق به کا نون های گرم خانواده بکام مرگ فرو رفته اند .

پرچم: تا جائیکه اطلاع در دست است، خلق‌زحمتکش‌پنجشیر بکرات ضمن پیشنهاد ها وعرایض جداگانه بمقامات مربوطه ، خواستار تسطیح ووسعت دادن این راه گردیده انـد وبار ها آمادگی خود را برای‌همکاری درین امر بحکومت نشان داده اند .

ولی مقا مات مسؤول حکومت بنابر سرشت ظالمانه وبی اعتناءخودبااین احتیاج مبرم ونیاز مندیهای مـردم پنجشیر کو چکتر ین توجهی هـم نه نموده است .

مادر حالیکه‌خودرا درمصیبت وماتم بزرگ‌خلق‌شریف وزحمتکش‌پنجشیر شریك میپنداریم، این‌فاجعه خو نین وغم انگیزرا یکی‌ازپدیده های‌نامطلوب دیگر وضع نا بسامان مو جـوده در کشور می پندا ریم .

بازهم اخراج کارگران انتقال گاز شبرغان

و روش غیرقانونی دربرابر آنان

طوریکه خوانندگان ارجمند اطلاع‌دارند ، این جریده در شماره ها ی گذشته ،معلوماتی راجع به‌اعتصابات‌قانونی و مسالمت آمیز کـار گران انتقال گاز شبرغان تقدیم نـمـود ه‌است .

اطلاع تازه میرساند که درجریان اعتصاب اخیرایکه از تاریخ اول اسد ۱۳۴۷ آغاز شده و تاه ـ اسد جریان‌داشت ، یکعده از کارگران مجبوس گردیده وبا ایشان بر خورد هـا ی‌ضد قانونی ، ضد دموکواتیك و ضد کرامت انسانی صورت گرفته‌است.چنانچه وقتی کار گران رابه زندا ن می برند بعد ازلت و کوب بیرحمانه‌نیمی از بروتها و سرایشانرا می ـ تراشند وآنانرا از چاشتگاه تاعصرروز در آفتاب سوزان امر تـوقـف می دهند . ویا وقتی کار گـری بـا ارائه‌قانون‌اساسی‌اعتصاب‌مسالمت ـ آمیز خود را قانونی‌میخواندمامور ان‌امنیه (!) آنرا به شکل توهین‌آمیزی رد مینمایند ، دو نفر ازکارگران راتحت الحفظ به کابل میفرستند(خبر آن درشماره گذشته نشرشده) وکار گران رابعداز چندین روز تـو قیف خلاف قانون وادارمیسازند،خلاف‌فصل‌سوم قانون‌اساسی وحقوق‌وآزادیهای افراد بـه جرم نـا کرده ئی اعتراف‌نمایند و «خط بدهند» .

قرار معلوم بعداً کار گـران را ازحبس رها و دونفر از ایشانرا‌ذریعه پولیس از شبرغا ن اخراج وبکا بل‌می‌فرستند . بدیـن ترتیب چهارتن کارگر اخراج وبسر نوشت فلاکتبار‌هزاران بیکار واخراج شدگان از کار دچار می شوند .

توقیف غیرقانونی چهارتن از شاگردان

لیسه‌ابوعبید ولایت‌فاریاب (میمنه)

قرار اطلاع چهار نفراز شاگردان با استعداد ووطنپرست صنـف ۱۱ لیسه‌ابو عبید ولایت فاریاب(میمنه) در اثر توطئه و تحریك وبه بهانه «بی احترامـی در برابر اداره‌لیسه» ووارد ساختن اتهامات نادرست ، با بیرحمانه ترین وضع وخلاف قـانون وکرامت انسانی‌توقیف وتحت‌تحقیق واقامه دعوی‌خارنوالی قرارگرفته‌اند.

پرچم : درحالیکه بـا هر نـوع ماجراجوئی و هرج ومرج طلبی چه‌در داخل مولسسات فرهنگی و معارف وچه خارج از آن ، به خصوص بـا بی احترامی در برابر معلمان شریف وطنپرست و تحول طلب مخالـف میبا شد ،در عین زمان جداً آن‌اعمال ونظریات مرتجعانه محافـل حا کمه فرهنگی ومعارف‌را که علیه شاگردان با شعور ومترقی الفکر وآزادیخواه وطنپرست صورت میگیرد وبشکل تو طئه آمیز باعث تحریك ، ناکامی، مشروطی ، اخراج از لیسه ، تعقیب وتوقیف آنان میگردد ، جدا تقبیح میکند .

پرچم

هر دو شنبه خپریږی

دتاسیس کال: د ۱۳۴٦ (کب)

دامتیاز خاوند او مسؤول‌مدیر: سلیمان (لایق)

آدرس: غوثی مارکیټ، محمدجان‌خان‌واټ. کابل. افغانستان

دولتی مطبعه

ا. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

ترجمه وتلخیص م. ا. خیبر　　-۱۲-

پرابلمهای حیاتی راه رشد غیر سرمایه داری

اهداف دموکراتیک ملی

در جائیکه دموکراتهای انقلابی حکومت را در دست دارند از بین بردن مواضع شرکتهای خارجی (طوریکه در الجزایر، برما، مالی، جمهوریت متحد عربی و بعضی کشور های دیگر واقع شده است) خود بخود به بورژوازی محلی نیز ضربه وارد میکند (نخست به قشر بالایی آن که باین شرکتها ارتباط دارد وبعد ازآن به دیگر سرمایه داران).

باوجود آن رهبری دموکراتیک انقلابی بمنافع بورژوازی کوچک ومتوسط محلی و فادار بحکومت دست درازی نمیکند. درین کشور ها ملی کردن نه تنها شعب یا تصدیهائیرا که ازنظر سرمایه خصوصی مفاد کم میدهند احتوا میکند، بلکه شعب یا تصدیهائیکه برای بورژوازی زیادترین مفاد را تأمین میکند ازقبیل بانکداری، بیمه ها، تجارت خارجی وعمده فروشی و غیره را نیز در بر میگیرد.

پرابلم مهم دموکراتیک ملی ایکه در برابر کشور های آسیا، افریقا وامریکای لاتین قرار دارد ازبین‌بردن مناسبات ماقبل سرمایه داری وحل بنیادی پرابلم ارضی میباشد. درین کشور ها خواست عمدهٔ توده های وسیع دهقانان که اکثریت نفوس مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق راتشکیل میدهد همانا توزیع املاک ملاکان بزرگ وفیودالهاست که هنوز بر آورده نشده‌است. نیروی بالقوهٔ انقلابی دهقانان خیلی زیاد است. حل پرابلم ارضی برای مرحله دموکراتیک عمومی رشد غیرسرمایه‌داری جنبش اهمیت حیاتی‌دارد. بدون اصلاحات بنیادی ارضی نه رشد نیروهای مولده تسریع شده میتواند ونه پرابلم غذائی که درین کشورها از پرابلمهای مبرم محسوب میگردد حل شده میتواند.

چون‌مناسبات زراعتی در هر جا متحدالشکل نیست از آنرو برای حل پرابلم زراعتی شیوه واحد ومتحدالشکلی موجود شده نمیتواند. در بعضی کشور ها اکثراً زمین‌ملکیت ملاکان بزرگ است واز طرف زمینداران کوچک‌زرع میگردد درحالیکه در کشور های دیگر ممکن است مناسبات پدر شاهی فیودالی مبنی برمالکیت اشتراکی اولیه زمین مسلط باشد، در بعضی کشور ها مهمترین پرابلم از بین بردن‌استثمار فیودالی ونیمه فیودالی میباشد، درحالیکه در کشور های دیگر طرد انحصارات امپریالستی که‌شدیداً درزراعت نفوذ کرده مقام اول را اشغال مینماید. بعضاً شیوه های مختلف استثمار باهم مزج می شوند. بنابران رشد انقلاب‌زراعتی در کشور های‌مختلف عقب مانده اشکال مختلف را بخود میگیرد. یک‌پروگرام طرح‌شده برای‌اصلاحات ارضی وقتی اجراشده میتواند که زمینه های خصوصی، نمونهٔ اجتماعی و رشد اجتماعی هر کشور درنظر گرفته شود.

پرابلم ارضی در اتحاد شوروی ازطریق ملی کردن تمام اراضی ورایگان قرار دادن آن در اختیار دهقانان بغرض استفاده نهائی حل گردید. در دیگر کشور های سوسیالستی ملی کردن زمین‌صورت نگرفت وپرابلم ارضی بتدریج‌ازطریق تخصیص حداعظم زمین و مصادرهٔ اراضی مازاد ورایگان سپردن آن به دهقانان باساس پرنسیپ: زمین مال‌کسی است که‌آنرازرع مینماید، حل گردید.

فومولبندی واجرای پیگیر این احکام، ملکیت های بزرگ و استثمار دهقانان را کاملا از بین برد، خواستهای آنها را بر آورده ساخت واتحاد بین دهقانان و کارگران را تحکیم بخشید.

اصلاحات ارضی ایکه بشکلی از اشکال تقریباً در تمام آسیا وافریقا اجرا شده‌هنوز به پایهٔ تکمیل نرسیده است.

اصلاحات ارضی ایکه در تحت حکومتهای بورژوائی و فیودالی اجرا میشود نیاز مندیهای دهقانانرا برآورده نمی سازد و صرف اندازه ملکیت را محدود و تاحدی اجارهٔ زمین‌را کم مینماید، در بدل زمین های اضافی ایکه از ملاکین گرفته شده غرامات قابل ملاحظه ای پرداخته میشود. اقساط زمین بحدی بلند است که تنها قشر های مرفه مردم اطرافی میتوانند آنرابه‌پردازند، این‌سیاست طبقات استثمار گر مورد حمایه صمیمانه امپریالیست هاست آنها در بسیاری کشور های آسیائی وهمچنان افریقامالکیت‌شخصی‌زمین‌را تحدید وحتی قسمتی ازاملاک بزرگ‌را ازان سبب بین‌دهاقین توزیع‌مینمایند تایک مبنای جدید اجتماعی برای خود بوجود آورند.

امپریالیست ها وملاکان ثروتمند بمنظور دفع انقلاب زراعتی پروگرام خودرا دربرابر پروگرامیکه نیروهای دموکراتیک طرح نموده اند قرار میدهند، درکشور ها ئیکه‌ملکیت‌های بزرگ به پیمانهٔ وسیع وجوددارد، نیروهای مترقی که مبین‌نیازمندیهای حیاتی بخشهای وسیع دهقانان میباشند تقاضا مینمایند که زمین از ملاکان گرفته شده بکسی که‌آنرا زرع مینماید، تسلیم داده شود. در بعضی جاها، خاصتاً در افریقای شرقی شرکتهای بزرگ امپریالستی ملکیت های بزرگ‌رادر دست دارند، وبنابران درین جا ها پرابلم ارضی فوق همه ملی کردن دارائی‌شرکتهای خارجی وبراساس آن‌تشکیل فارم‌های بزرگ یا تعاونی را احتوا مینماید.

دراندونیزیا بعد از جنگ دوم جهانی ملی کردن تمام زمین ها خواستهای اکثریت دهقانانرا منعکس نمیکرد از آنرو از اجرای آن استقبال نکردند. همینکه تقاضای مصادره املاک ملاکان بزرگ‌وفیودالها وانتقال آن بدهقانان بعمل آمد عکس العمل دهقانان در برابر آن تغییر خورد. بخشهای وسیع‌دهقانان همیشه ازین تلاش حکومتها که گویا بمنظور جلو گیری از خرابی وکاهش تولید از نظریه توزیع‌اراضی بین دهقانان دست بر میدارند پشتیبانی نمیکنند. گر چه این یک دلیل بزرگ اقتصادی یست، مگر نباید در مرحله اول انقلاب زراعتی ضرورت بر آورده شدن اشتیاق طولانی دهقانان را بزمین تحت‌شعاع قرار دهد.

ولی غلط خواهد بود اگر این قضیه (حکم) درتمام‌کشور ها‌ومناطق بسط وتوسعه داده شود، در بعضی حالات تقسیم تمام زمین بخصوص عطش برای داشتن زمین زیاد باشد تقسیم تمام زمین بسیار دور از مصلحت خواهد بود، بطور مثال‌وقتی فلاحین جمهوریت متحد عرب ازطرف دولت زمین در یافت میدارند (زمین‌هائیکه از فیودال ها مصادره شده یا از ساحه هائیکه جدیداً تحت زراعت قرار داده شده) مجبوراند به کوپراتیف ها به پیوندند. در بعضی مناطق که اصلاحات اراضی اجرا نگردیده فلاحین بهیچوجه مجبور نمیگردند به کوپراتیف ها ئیکه تشکیل می شود ملحق گردند.

همچنان اگر مزارع بزرگ اشیای صادراتی تولید مینمایند و برای دولت منبع مهم مالیات باشند تقسیم زمین یک امر ضروری به نظر نمیرسد،درین صورت ملی کردن این نوع مزارع و تبدیل آن به فارم های دولتی یا تعاونی مطلوبترین اقدام محسوب می شود. شرکت سابق فرانسوی بنام «آفیس دونیجر» در جمهوریت مالی بیک شرکت‌دولتی تبدیل گردیده است، در زنگبار (فعلا جزء جمهوریت تانزانیا است) زمین ملی شده است.

در کشور ها ئیکه دموکراتهای انقلابی مبین منافع بخشهای وسیع دهقانان قدرت را در دست دارند ومالکیت‌ارضی هنوز بشکل عنعنوی واشتراکی موجود باشد تأسیس کوپراتیف شیوهٔ عمدهٔ اصلاحات ارضی محسوب میگردد.

اصلاحات ارضی در کشور های جوان اصلا دموکراتیک عمومی است نه سوسیالستی، این‌اصلاحات جلورشد سرمایه داری را نمیگیرد بلکه بر عکس بزرگترین مانع را از سر راه آن که عبارت از مناسبات ماقبل سرمایه داریست بر میدارد در عین زمان از بین بردن مناسبات ماقبل سرمایه داری و هم اشکال فیودالی ونیمه فیودالی‌استثمار مقدمه مهمی‌را برای گذار باصلاحات سوسیالستی تهیه می بینند.

جنبش کوپراتیف که از طرف دولت تشویق می شود و بر یک‌بنیاد دموکراتیک تشکیل میگردد میتواند دو شادوش سکتور دولتی مبنای مادی برای راه رشد غیرسرمایه‌داری مستعمرات سابق باشد.

حل بنیادی مسأله ارضی بمنفعت واشتراک دهقانان آنها را از ستم فیودالی نجات میدهد وبمالکیت ملاکین بزرگ‌خاتمه‌می بخشدوزمین‌را بکسیکه آنرا کشت مینمایدتخصیص میدهد.بر آوردن‌خواست‌عمده بخش بزرگ دهقانان در حکم انقلابی ساختن وسیعترین قشر های نفوس مستعمرات سابق، کشاندن آنها بسوی انقلاب وارتقای آنها بیک مرحله عالیتر میباشد.

تجربه‌تاریخی رشدبعضی‌کشور ها نشان‌میدهد که‌تحت‌بعضی‌شرایط‌خاص تاریخی‌حل پرابلم دوگانه ازبین‌بردن مناسبات اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری و بوجود آوردن عناصر سوسیالستی در مرحله دموکراتیک عمومی انقلاب نفی نشده است.

یکی‌ازاجزای‌مهم‌انقلاب دموکراتیک‌ملی عبارت‌از دموکراسی ساختن حیات اجتماعی و سیاسی است بشمول جذب بخشهای و سیع مردم (ص۳)

آسه‌مائی

از فصل حقوق اساسی مردم

آزادی اقامت و سفر

آزادی اقامت ومسافرت یکی از حقوق مسلم مدنی هر فرد میباشد به اینمعنی که هر فرد از افراد جامعه حق دارد که در داخل خاک کشور خود ویادر خارج از کشور آزادانه سیرو سفر نماید و اقامت گزیند. این حق‌از طرف‌تمام کشور‌های مشروطه جهان مورد قبول واقع ودر قوانین اساسی تضمین گردیده است.

مادهٔ سیزدهم وچهاردهم اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در این زمینه میگوید: «هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور ومرور کند ومحل اقامت خود را انتخاب نماید.»

«هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه وآزار پناهگاهی جستجو کند...» منظور ازین ماده صرف آزادیخواهان وعناصر دموکراتیک ومترقی میباشند که علیه استبداد، ارتجاع واستثمار واستعمار وامپریالزم مبارزه کرده وبنابر عدم مصونیت وآزادی های دموکراتیک مملکت را مؤقتاً ترک گفته ودر کشور های دیگر که حیات دموکراتیک و مترقی میسر باشد پناه گزین میشوند.

در قرون وسطی وماقبل‌آن در اروپا وکشور های دیگری آزادی اقامت وسفر افراد جامعه در تحت قید وبند های شرایط اجتماعی و اقتصادی ارتجاعی محکوم بود، زیرا یک برده ویا یک دهقان وابسته بزمین (سرف یارعیت) حق نداشت که بدون اجازه مالک وارباب آزادانه وبدلخواه خود اقامت و سفر نماید ویا کار خودرا ترک داده به کار دیگری بپردازد.

همین وضع بشکل دیگری هم اکنون در کشور های «متمدن»جهان که انسان برده ماشین و سرمایه میباشد جریان‌داردوکارگران‌در تحت چنان‌شرایط‌جبری کارقرار گرفته‌اند که نمیتوانند بنابر شرایط کار وکمی مزد یک منطقه کار را ترک گفته ودر منطقه‌کار دیگری مسافرت و اقامت نمایند. زیرا بحرانهای اقتصادی وبیکاری درین کشور ها موجب آن گردیده است که مردم کار گر از ترس بیکاری به هرگونه شرایط زندگی نامساعد تن در داده وجبراً برای تامین معاش بخور و نمیر در همان‌یک محل اقامت‌نمایند.

نمونه وشکل بسیار بد سلب هرگونه حقوق وآزادی های اساسی، مدنی ودموکراتیک‌مردم و منجمله حق آزادی مسافرت و اقامت درنیمهٔ دوم‌قرن‌بیستم، کشور افریقای جنوبی است که بشیوهٔ تبعیضی غیر انسانی از طرف‌اقلیتی نژادپرست سفید پوست اداره میگردد. درین کشور سیاه پوستان که اکثریت مطلق نفوس را تشکیل میدهند، حق ندارند که‌در وطن خود آزادانه گشت وگذار نمایند ومجبور اند درهمان جائیکه که نژادپرستان سفیدپوست تعیین مینمایند اقامت اختیار بکنند وهنگام عبور ومرورحتی بفاصله‌های بسیار کوتاه ورقهٔ «عبور» را با خود داشته باشد.

در کشور ما نیز در تحت شرایط فعلی که اکثریت عظیم مردم از یکسو وسایل وامکانات مسافرت واقامت را طبق دلخواه ندارند واز سوی دیگرمصونیت دریافت شغل وکار برای کارگران وزحمتکشان کشوروجودندارد، بنابران از آزادی اقامت ومسافرت عملا محروم اند. همچنین دهقانان ما طوری تحت نفوذ وتسلط ملاکین بزرگ ارضی قرار دارند و برای همیشه در زیر بار قروض و رقیت آنان مجبور شده اند شانه خم کنند که اصلا مجال رهائی ازاین وضع فلاکتبار را ندارند تا از یکجا بجای‌دیگری بروند واقامت اختیار نمایند.

علی رغم اینکه در ماده بیست وششم قانون اساسی بوضاحت گفته میشود که: «هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه دولت خود سفر نمایدومسکن اختیارکند. ومطابق به احکام قانون بخارج افغانستان سفر نماید وبه آن عودت کند...» اما این آزادی ها عملا در اختیار طبقات بالائی جامعه ومتنفذین میباشد نه وسیعا برای توده های مردم‌و زحمتکشان. آزادی مسافرت واقامت در برابر عناصر مبارز وطنپرست و مترقی کشور اصلا مراعات نمیگردد وبه کرات‌دیده شده است که مسافرتهای این عناصر در ولایات کشور حتی بزادگاه خود شان همراه با تعقیبات پولیسی بوده است وبه‌ماموران‌محلی حکومت اطلاع داده شده است که گشت و گذار آنان را زیر نظر گیرند و مزاحمت ایجاد نمایند. اقامت آنان در شهرها ودهات‌کشور برای دستگاه حاکمه تشویش آور تلقی گردیده است و حتی بیشرمانه وبصورت غیر قانونی وخلاف‌کرامت انسانی‌بعضی از عناصر وطنپرست را از مسافرت عملا باز داشته اند ویا توسط‌پولیس از محل کار واقامت خودشان‌بدون هیچگونه دلیلی بمرکز فرستاده اند چنین اعمالی نه تنها صریحا مغایر ارزشهای دموکراتیک قانون‌اساسی بلکه منافی ابتدائی ترین آزادی های بشری میباشد. همه کس میداند که حکومتهای افغانستان از مسافرت اغلب اشخاص(حتی کسانیکه برای تحصیل به خارج میروند) مانع شده اند که بخارجه سفر نمایند ویا مانع ورود آنان بوطن شده اند ویا جبراً از وطن اخراج گردیده‌اند. در حالیکه آزادی مسافرت بخارج از کشور برای نازپرورده ها وسرباری های جامعه همیشه‌موجوداست وهیچگونه مانعی را نمی شناسد.

مختصر اینکه‌حق آزادی مسافرت واقامت که‌ازساده‌ترین‌اشکال‌آزادی‌های مردم میباشد در اثر اوضاع ظالمانه اجتماعی، در شرایط تسلط نظام فیودالی، جبر اقتصادی، عدم مصونیت برای دریافت کار وشغل، بینوایی وفقر اقتصادی مردم وده ها مانع دیگر عملا برای زحمتکشان کشور ومبارزین وآزادیخواهان‌وجود ندارد‌وتاوقتیکه این وضع پابرجاست آزادی مدنی تمام افراد جامعه منجمله آزادی اقامت ومسافرت مردم عملا نقض میگردد ودر صورت واقعاً امکانات استفاده ازین حق برای مردم میسر می گردد که ایشان فرصت ووسایل آنرا در اختیار داشته باشند، از لحاظ اقتصادی تامین گردند، مصونیت کار بوجود آید وآزادی های‌اجتماعی در جامعه‌تعمیم یابد واین امری است که‌در شرایط قدرت حکومتی دموکراتیک وملی تامین شده میتواند.

از (ص اول)

بازهم دربارهٔ وضع

عمومی‌و لسی جرگه بشدت‌انتقادکرد که:

«مابارها بر اساس حقایق وارقام توضیح‌داده ایم که از یکسو عواید دولت به تناسب ضرورت رشد سریع اقتصاد ملی و فرهنگ فوق‌العاده ناچیز است و آنهم قسمت بزرگ این عواید نا چیز از طریق مالیات غیر مستقیم (که فشار و سنگینی آن مستقیماً بالای توده های عظیم مردم فقیرما تحمیل میگردد) وکمکهای خارجی بدست میآید. از سوی دیگر طبق حقایق وارقام ثابت است که یک قسمت قابل ملاحظهٔ عواید دولت در اثر اختلاس، سوءاستفاده ومصارف زائد دستگاه فاسد اداری دولت افغانستان بهدر میرود. مسألهٔ سوءاستفاده از عواید دولت برای حکومتها به پیمانهٔ یک ضرورت حیاتی شخصی تلقی گردیده که حکومتهای بیرحم‌نه‌تنها‌به تنقیصات اصلاحی ونا چیز شوری تسلیم نمی شوند، بلکه‌جسارت را بجایی میرسانند که علی رغم قانون‌اساسی وتصمیم ولسی جرگه مبلغ ۵۵۳ ملیون افغانی دیگر رانیز خودسرانه زیرنام«ما زاد بودجه» بمصرف میرسانند. لذا به تائید آن‌وکلای محترم که دو حکومت اخیر، یعنی حکومت میوندوال و اعضای مسؤول حکومت اعتمادی رادر زمینه‌مسؤول قرار داده اند، ما هم مسؤولیت آنها را تائید وپیشنهاد می نمائیم که‌باید ولسی جرگه دلیرانه موضوع‌را تا اخیر تعقیب نماید واشخاص مسؤول بدون استثنا خواه بالفعل ویا بالقوه‌در قدرت‌اند، موردتحقیق، تفتیش و محاکمه‌قرار گیرند وطبق‌قانون به جزای‌سنگینی برسند تاحداقل جلو خود سریها وعدول‌از قانون گرفته شود وگذاشته نشود که ارزشهای قانون‌اساسی جدید به سر نوشت قانون اساسی کهنه مواجه گردد. باید آزادیهای مصرح در قانون را ازچنگال استبداد وتوطئه‌نجات داد! باید شجاعانه گام بر داشت!»

* * *

در قسمت دیگری از بیانیه بناغلی ضیائی وزیر مالیه گفته میشودکه: «وضع نامساعد اقتصاد بین‌المللی که‌اوضاع پولی اکثرممالک را از نگاه مشکلات بیلانس تادیات‌وتغییر پالیسی‌های پولی متأثر ساخت، طبعاً بصورت غیر مستقیم ماهم از تأثیرات منفی آن بر کنار مانده نمی توانیم...» اگر پالیسی های اقتصادی حکومت بهمین‌وضع‌ومنوال ادامه‌دارد واگر کماکان سیاست درهای باز در اقتصاد‌کشور بسود استعمار نوین وامپریالیسم ودلالان داخلی آن تعقیب می گردد، درست است که اقتصاد ناتوان ونابسامان ما بحیث زائیده اقتصادهای عظیم و غول آسای کشور های سرمایه داری اروپای غربی وامریکا از بحرانات‌حاد‌وعمیق پولی اینکشورها بدورمانده‌نمیتواند، که نتیجهٔ طبیعی آن طوریکه حکومت اعتراف کرده است وضع‌نامساعد وسرد فروش اموال صادراتی‌مادر کشور های سرمایه داری واثرات نامطلوب آن درمالیات ومحصولات وحجم صادرات اموال وبصورت مشخص در موارد نوسانات اسعار خارجه بوضاحت بمشاهده میرسد که اینوضع‌بخودی خود نتیجه نیست، بلکه به ورشکستگی اقتصادی، تعمیق بحران، تنزیل سطح زندگی بازهم بیشتر خلق و«افزایش تعداد بیکاران و ضیقی ساحه کار» بر اساس اعتراف حکومت «واقع بودن مملکت در آستانهٔ یک مرحلهٔ رکود اقتصادی» منتج میگردد.

وضع خیلی نا مساعد وبحرانی مالی واقتصادی کشور، کسادبازار ومعاملات و رکود اقتصادی چیزی نیست که بتوان آنرا پنهان کرد، حکومت‌ناگزیر است که‌بآن اعتراف نماید، اما تنها اعتراف‌چاره‌وکلید حل‌مشکلات نیست.منافع مردم جداً ایجاب می نماید که در اینوضع تغییری رونما گردد، ولی صریحاً اعلام میداریم که چارهٔ اساسی‌ایجاد تحول کیفی وبنیادی در اقتصاد کشور وساختمان‌اجتماعی‌واقتصادی جامعهٔ ماست که این امر بوسیلهٔ حکومتی دموکراتیک وملی درین‌مرحله تاریخی انجام یافته می تواند، نه حکومتهای که آله‌و افزار طبقهٔ‌حاکمه فیودالی وتاجران بزرگ دلال وابسته به استثمار استعماری وامپریالیسم میباشند.

***

در جای‌دیگری از بیانیه اعتراف میگردد که وضع نامساعدمالی واقتصادی کشور درسال گذشته اثرات نا مطلوب خودرا درسال جاری وارد مینماید. طبعاً وضع بحرانی امسال تأثیرات خود را برای سالهای مابعد‌بجاخواهد گذاشت که فشار آنرا زحمتکشان و طبقات محروم جامعه‌ما متحمل می شوندکه در نتیجه تضاد بین فقر و غناروز تاروز تشدیدمیگردد واین‌جریانیست بخصوص در سالهای اخیر که همه کس بصورت مشهود می توانند آنرا به بینند.

بناغلی ضیائی وزیر مالیه‌در سخنرانی خود گفته است که بودجهٔ سال جاری تمام خواسته ها ونیاز مندیهای مردم را بر آورده نمی تواند، یعنی ادعا میگردد که گویا قسمتی از آنرا برآورده میسازد درحالیکه عمل و تجربه نشان میدهد که‌نه تنها خواسته های ضروری مردم و بدرجهٔ اول ضروریات ابتدائی وخیلی مبرم آنان یعنی حداقل شرایط حیات غذا، لباس ومسکن برای مردم تامین نشده است، بلکه هر روز بیشتر از روز دیگر مردم ازین ناحیه بمشکلات ومعضلات گوناگونی برمیخورند. پنجالهای شوم فقر و گرسنگی، بیماری و بی‌روز گاری گلوی مردم‌را میفشارد و عرصه را برایشان‌تنگتر میسازد، درحالیکه اقلیتی مفتخوار، طفیلی و سرباری از تمام امکانات مادی ومعنوی جامعه نفع‌میبرند.

ما معتقدیم مادامیکه پایه های اساسی حکومتها را در افغانستان طبقهٔ استثمارگر و ستمگر فیودالی وقشر تجار بزرگ دلال وملاکین‌بورژوا بیروکرات تشکیل میدهد، انتظار انجام کاری مهم و تحولی عمیق به نفع خلق از طرف آنها بیهوده خواهد بود.

نوراحمد وکیل پنجوائی قندهار در ولسی جرگه

ا. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

مردم برای زنده ماندن شیر و خون خود را میفروشند

از جمله صدها طریقه غیرانسانی‌وضد کرامت بشری در کشور، یکی‌هم خرید ارزان شیر وخون زنان ومردان زحمتکش وطن است که‌بمنظور تأمین قرص نانی برای‌ادامه‌زندگی فلاکتبار خویش مورد فروش قرارمیدهند.

صدها انسان گرسنه ژنده‌پوش وسر وپا برهنه وطن که نه‌سرمایه یی برای کار کردن دارد ونه نیروی کار شان خریداری‌داردوهمه طرق حیاتی بروی شان بسته‌است واز زندگی چیزی بجز چند قطره خون در بدن ندارند، مجبورمیگردند این نخستین مادهٔ زندگی‌خود وقوت لایموت فرزندان خود را بفروش برسانند، تا با بدست‌آوردن مقداری پول ناچیز لااقل‌چند روزی از رنج جانگاه گرسنگی خود وفرزندان خود فارغ باشند.

ماجرای فروش شیرزنان (دایه ها) در کشور ما سابقه طولانی‌دارد واز دردانگیز ترین وشگفت آور ترین مسایل خلقهای تحت ستم کشور، بالخصوص خلق نجیب و زحمتکش وشجاع پنجشیر است‌که به عموم هموطنان ما معلوم وهویدا است. اما خون فروشی از چند سال باین طرف در کشور رواج یافته است.

البته تأسیس بانک خون و ذخیره خون برای نجات مریضان عاجل و وقایع هلاکت آور ضروری واز اهم مسایل‌است‌ودر بسیاری ازکشور‌های جهان وجود دارد، اما نه برای تهیه نان وغذای یک روز فامیل که در کشور مصیبت زدهٔ ما مروج است وفعلا بدون رحم و عاطفه انسانی شکل طبیعی ایرا بخود گرفته است. وقتی‌به‌مؤسسه... یا شفاخانه یی نزدیک شوید، بایک تعداد هموطنان محنت کش‌و گرسنه وسرو پا برهنه ما یعنی حمال های غیر تمند که بجز از فروش آخرین نیروی خود عاید دیگری ندارند، روبرو میشوید که منتظر اند خون خود را بفروش برسانند. یک تعداد ازاین خون فروشان بخت بر گشته به اثر خون فروختن های‌مکرر به کم خونی دچار گردیده اند، زیرا نمیتوانند بعد از دادن خون دو باره آنرا توسط غذا تلافی کنند، اما با وصف آن اصرار میکنند که چندین مرتبه خون خود را بفروشند.

توجه بفرمائید که کار بدبختی وبیچارگی باید بکجا رسیده باشد که انسان باوصف کم خونی وضعف جسمی بفروش آخرین عصارهٔ‌حیات خویش، بغرض‌بدست‌آوردن لقمه نانی برای شکم گرسنه خود وفامیل‌خود، حتی به عجز والتماس مبادرت‌ورزد تا خون او را بخرند! نا گفته نباید گذاشت که طبقات صاحب امتیاز برای نجات مریضان خود، روزانه از جاده های کابل هموطنان‌مظلوم وتیره روز ما را به موتر ها حمل نموده، برای خون گرفتن به‌شفاخانه ها میبرند وباین شیوه غیر انسانی وبیشرمانه ودوراز عاطفه اسم کمک (!) میگذارند.

این فقر وناتوانی را طبقات‌حاکمه نصیب خلقهای شریف وستمدیده کشور ما نموده اند.

در یکطرف زندگی های مجلل وافسانه‌یی گروهی از مفتخواران بار دوش جامعه که حتی از غذای فرزندان خلق ماکه شیر مادرانشان است نیز استفاده‌میکنند و لذت میبرند ومادری را از دلبندش جدا وشیر او را خوراک طفل نازپروردهٔ خود مینمایندو طفلک مظلوم‌ومعصوم آن‌مادر غم زده را در زیر پستان بز میگذارند. ودر طرف دیگر ملت سیاه روزی که زندگی را بقیمت خون وشیر فرزندان خود می خرند وجود دارد. درین مورد حقایق سوزنده فراوان در کشور موجود است که از آن میتوان بسیار سخن گفت، که این مقاله گنجایش آنرا ندارد.

کشور پر ارزش ما صحنه دلخراش فقر وگرسنگی است، خلقهای دلیر و شجاع ما باین نابسامانی ها پایان خواهند داد و دیری نخواهد گذشت که راه نجات برای خلقهای ما روشن گردد وایجاد تحول بنیادی در کشور شعار عام قرار گیرد وشیر وخون خلق بخود خلق اعاده گردد.

(ثریا)

از (ص اول)

یکی از علل رکود...

ـتکنیک نوین جهت ارتقای‌سطح‌تولید تعمیم می یابد،

ـدربرابر هر واحد پولی سرمایه‌گذاری شده‌در کل مملکت‌محصولات افزایش می یابد،

ـاصل انضباط کار ونظارت وازبین بردن عناصر مخرب ورشوه‌ستان وسود پرست مرکز عمدهٔ فعالیت قرار میگیرد،

ـ انتخاب اشخاص شایسته، پرورش ورهنمائی اشخاصیکه مستقیماً در رأس تشبثات صنعتی‌وزراعتی وتجارتی ومالی قرار دارند بعمل می آید.

ـسازمان دادن معقول تولید واداره اهمیت قاطع و حیاتی کسب میکند،

ـ مقام های پیشرو ساحه های‌تولیدی مادی (که‌در اصل یک ساحه عمده در حیات اجتماعی است)به‌اشخاص لایق‌و مبتکرسپرده میشود،

ـ حسابداری دقیق تنظیم‌می‌یابد،

ـ آمار واحصائیه های صحیح‌بدست می آید،

ـامور با نگداری وبهره برداری‌معقول از ثروتهای ملی کنترول میگردد،

ـ مواد وپول‌صرفه جوئی‌گردیده‌وبصورت متناسب استعمال‌میشود،

ـ پلانهای دولتی اقتصاد ملی‌بهبودی وتکامل دایمی می یابد،

ـاداره به اسالیب مترقی بوجودمی آید،

ـ تشکیلات بهبودی حاصل‌میکند،

ـ انضباط آگاهانه خلق میشود،

ـ ابتکار مردم رشد می‌یابد،

ـسیستم مترقی پرداخت مزد به‌کارگران و عموم زحمتکشان ایجاد میگردد،

ـ وسهم گیری فعال کارگران‌واتحادیه های کارگری و صنفی در تطبیق پلانهای دولتی از طریق‌محرکات مادی ومعنوی تشویق میشود.

برای‌تامین این‌منظور،وطن محبوب ماافغانستان نیاز شدید بیک تحول بنیادی دارد تا به رکود ووضع فعلی اقتصادی کشور که ناشی از سیاست ارتجاعی ومحافظه کارانه موجود هیأت حاکمه افغانستان‌است خاتمه‌داده شودوراه‌رشد سریع اقتصاد و فرهنگ‌جامعه ما هموار گردد!

(کارمل)

از (ص ۲)

پرابلمهای حیاتی...

جهت سهم گرفتن در اصلاحات‌اجتماعی و فعالیت اداری. این پرابلم ناشی از خصلت اصلی انقلاب دموکراتیک ملی است که‌خودعبارت ازیک‌سلسله تغییرات‌بنیادی‌اجتماعی‌میباشد. انقلاب دموکراتیک ملی خلاقیت توده ها را، بمثابه معماران‌تاریخ رشد میدهد و به کنترول گروه های کوچک استثمار گران‌خارجی ووطنی‌پایان میدهد.اصلاحات عمیق اجتماعی‌واقتصادی صرف‌زمانی‌اجرا شده میتواند که توده هابحیث نیروی عمده ایکه میخواهد بعقب‌ماندگی بدون مصامحه خاتمه داده شود،به‌آن جذب شود.

دموکراسی‌ساختن حیات‌اجتماعی‌وسیاسی فوق همه وظایف ذیل را در بر دارد:

ـ شکستاندن دستگاه کهن‌استعماری تجرید شده از خلق وضد خلق.

ـتربیه ورساندن رهبران جدید یکه‌ازبین خلق بیرون آمده اند، از نیاز مندیهای خلق آگاهند وازمنافع‌خلق دفاع میکنند، در تمام‌ساحه های فعالیت اجتماعی واقتصادی.

ـانکشاف فعالیت احزاب سیاسی‌که در پروگرام جبهه متحدشاملند.

ـ فعال‌ساختن‌اتحادیه‌های کارگری‌ودیگر سازمانهای توده ای‌واعتراف بحقوق ونقش مهم سیاسی آنها دردولت.

ـ فعال ساختن همه جانبهٔ‌دهقانان‌وجلب‌مستقیم آنهابمنظور سهم‌گیری دراصلاحات ارضی و پرورش‌سیاسی‌آنها.

ـ آزادی و جذب زنان بحیات‌فعال سیاسی واجتماعی.

ـ عوض کردن دموکراسی کذائی ایکه استعمارگران آنرابمنظور به‌قدرت رساندن گروه کوچک‌فرمان بردار خود بوجود آورده بود بیک دموکراسی واقعی که آزادی بیان، ومطبوعات واستقرار انتخابات را درتمام شعب اداری و سیاسی تأمین کند.

ـ کشاندن خلق کارگر به اداره وکنترول تولید و توزیع.

ـ تهیه دیدن امکاناتیکه توسط آن خلق بتواند از تمام مزایای‌تمدن بشمول حفظ صحت و تعلیم عمومی برخوردار شوند.

درکشور های جوان مبارزه حادی پیرامون پروگرام اصلاحات عمومی دموکراتیک درجریان‌است. مرتجعین به‌پشتیبانی امپریالیزم باین‌پروگرام مخالفت مینمایند، درحالیکه نیروهای دموکراتیک وانقلابی در راه تحقق آن مبارزه میکنند. این مبارزه منجر به تفریق نیروهای طبقاتی و سیاسی میگردد.

(باقیدارد)

دلمړی مخ پاتی

داجتماعی مبارزی...

قواؤکی باید خنثی بی طرف،مساعد بی طرف او نامساعدبی‌طرف‌قوتونه یوله‌بل څخه جلا شی.

په‌هری‌مبارزی کی اساسی‌قاعده داده چه‌باید په معین وخت او په‌معین ځای کی اکثر حد قوت دمخالف په مقابل کی راټول کړل شی او هغه له پخوا نه زیات تجرید کړل‌شی. ددی منظور د پاره د ټولو طرفدارو قواؤ متحد کول، مساعداو خنثی بی طرف قوتونه مبارزی ته‌راجلبول نامساعدبی‌طرف قوتونه دبی طرفی په‌موضع کی ساتل، او نه ئی پریښودل چه‌د مقابل لوری له قواؤ سره یو ځای شی، دمقابل لوری دقواؤ تجزیه کول اود هغو له جملی څخه‌هغه قوه چه ډیره سر سخته‌ده دهغی تجریدول او له صحنی څخه ایستل یو لازمی کاردی.

په‌مبارزی کی‌دقواؤ دحد بندی، تشخیص، او تجزیی مسأله دمبارزی ډیرمهم ټکی دی چه د هغی‌صحیح‌حل ښه دید او تجربه ایجابوی.

سکترستی روش چه مبارزی قواوی تجرید وی په مبارزه کی ترټولو مضر روش‌دی.«ناسازگاره» مبارزین یو اخی له‌هغوکسانو سره جوړیږی چه د هغوی له ټولوهدفونو میتودونواوروشونو سره‌موافق‌وی. ددغه‌کار نتیجه داشی چه د مقابل لوری د تجرید په ځای مبارزی‌قواوی تجریدشی. په عین حال کی دقواؤ دجلبولو په برخه کی زیات‌نرموالی ددی سبب نه‌شی چه دخپل او پردی ترمنځ سرحد له مینځه‌لاړ شی او په صف بندیو کی ابهام برقرارشی. ددی‌خطازیان د لومړی خطا له زیان نه‌کم نه‌دی. ځکه‌چه‌پخپله دمبارزی دهدف د له منځه تللو خطر زیاتوی.

لکه څنګه‌چه ټولنه په تحول‌کی‌ده ور سره په ټولنه‌کی طبقاتی او سیاسی آرایش هم په تحول کی‌دی. باید و کولای شو چه دغه تحول‌درک کړو. هغه قوت چه تر پرونه‌پوری دمقابل لوری جزء او نامساعد بی‌طرف او نن بیطرف‌یا حتی مساعد گرځیدلی دی په موقع تشخیص‌کړو یاددی په عکس هغه قوتونه چه تر پرونه پوری زمونږ متحدوون‌دمقابل لوری متحد شویدی، هغه پرونی مساعد بی طرف قوتونه چه اوس نامساعدبی طرف گرځیدلی‌دی په خپل وخت کښی وپیژنو. دمقابل لوری دقواؤ دتجزیی مسأله‌او دهغو له‌اختلافاتو څخه استفاده کول نه تر دیدوړنکی تاکتیکی اهمیت لری. ځنی سکتریست عناصر دغه اختلاف‌بی‌اهمیته گڼی‌اوهغه‌په‌نښپړ ډول ردوی.

همدا شان باید «دبورژوازی دعاقلو نمایندگانو او دولت اود ماجراغوښتونکو عناصرو ترمنځ دبرخورد له جهته فرق وکړو»

کوم بل ټکی چه‌دلته‌باید وویل شی دادی چه ددوستواو مساعدو بی طرفو قواؤ په منځ کی په وحدت باندی تکیه کیږی.« دمبارزو قواؤ ترمنځ‌هر ډول تفرقه‌ارتجاعی‌ده...»

از (ص اول)

حقایقی دربارهٔ ترکیب...

اقتصادی بمقیاس جهانی با نفوذروز افزون بورژوازی بزرگ (بورژوازی کمپرادور) تجاری، مالی وصنعتی همراه است. بورژوازی بزرگ نقش قابل‌ملاحظه سیاسی را درکشور بازی مینماید. کرکتر ارتجاعی این گروپ که‌ازلحاظ‌اقتصادی پر قدرت که‌در امور مالی، بانکی وتجارت‌خارجی مملکت تسلط‌ونفوذ عمیق دارد، قبل از همه در روابط خاص آن با محافل فئودالی، نیمه فئودالی وسرمایه‌خارجی‌وامپریالیزم ظاهر میگردد. بورژوازی کمپرادور میکوشد که از یکسو مواضع خود راباتبانی محافل فئودالی،باپشتیبانی نیروهای امپریالیستی استحکام بخشد واز سوی دیگر با بکار بردن قدرت دولتی حمله مستقیم را علیه زحمتکشان براه اندازد. بورژوازی کمپرادور دشمن سرسخت جنبش دموکراتیک وملی وطن محبوب ما افغانستان بوده ومانع رشد سریع اقتصادی واجتماعی جامعه و تأمین استقلال اقتصادی کشور میگردد.

بورژوازی بیروکراتیک:

بورژوازی بیروکراتیک وگروپ های طفیلی دیگر که‌درتولید سهم ندارند در سال های اخیرقدرت ونفوذ زیادی را کسب کرده اند وبا اختلاس وسوءاستفاده از دارایی عامه ثروتهای‌بزرگی‌را اندوخته‌اند.

اکنون ماموریت دولتی دربست‌های بلند، مبدل بفعالیتی مطمئن، سودآور وبا اعتباری گردیده است. بیروکراتهای رشوه ستان که قشر کوچکی بیش نیستند باقشر تجار بزرگ دلال، در پهلوی طبقه‌ملاکین فئودال بحیث طبقه حاکمه از لحاظ ماهوی با امپریالیزم وابسته اند ودشمنان عمده خلق ما در این مرحله تاریخی میباشند.

عناصربی طبقه: در شرایط خاص کنونی کشور ما، وضع نامساعد زندگی، بیکاری مزمن، صعود روز افزون‌نرخها وتحریک‌وتشویق فساد اجتماعی وبنابر برسیاستهای نادرست‌وغیرملی اقتصادی‌واجتماعی حکومتها، تعداد کثیری عناصر بی طبقه یعنی راهزنان، دزدان، کیسه بران، گدایان، چاقوکشان، فحشاء وامثال‌آنها در جامعه وجود دارد وتعداد آنها روز بروز در تزاید است.

* * *

اکنون که مختصراً در باره ترکیب اجتماعی کشور تذکراتی داده شد، موقع آنست که‌به طریق نیل به استقلال ملی، ترقی اجتماعی ورفاه جامعه اشاره گردد، چه نیل به این امر صرف‌باتشخیص طبقات ونیروهای اجتماعی میسر نمیگردد،گرچه شناخت آنها باعث جلو گیری از اشتباهات‌میشود، اماتشدیدتضادها ومبارزه طبقاتی است که موجب ایجاد تحولات اجتماعی میگردد.

در مرحله کنونی در کشور ما این مبارزه از یکطرف بین ملاکین بزرگ ودهقانان بی زمین وکم زمین، هواداران ومخالفین اصلاحات ارضی، بورژوازی کمپرادور وبیروکراتیک وطبقه کارگر وسایر زحمتکشان واز طرف دیگر بین انحصارات خارجی امپریالیستی وخلق صورت می گیرد، که دارای خصوصیت ملی ودموکراتیک ضد فئودالی وضد امپریالیستی‌میباشد.

باید خاطر نشان ساخت که حل پروبلم های دموکراتیک عمومی برای تغییر جامعه در چهار چوب رشد سرمایه‌داری‌به‌سرانجام‌رسانیده نمیشود. سرمایه داری مانع‌ترقی میگردد واعتبار خود را از دست داده است. اکنون مبارزه برای راه رشدغیر سرمایه‌داری بمثابه‌شکل دیگری از مبارزه طبقاتی در کشور‌های کم رشد در آمده است. با پشتیبانی امپریالیزم ملاکین فئودال وبورژوازی بزرگ‌کمپرادور میکوشند که کشور را در جهت‌راه سرمایه داری سوق دهند، درحالیکه هدف طبقه کارگر به اتحاد دهقانان رشد غیر سرمایه داری میباشد واز آنجائیکه بورژوازی بحیث‌قدرتی متشکل بوجود نیامده است بنابران تعقیب این راه در کشور سهل‌تراست واین طبقه جوان کارگر است که باوصف قدرت عددی کوچک خود وپراگندگی سیاسی ومنطقوی‌تحول کیفی وبنیادی‌جامعه را رهبری‌کرده‌میتواند،چه منافع توده های عظیم مردم را تبارز داده ودر مبارزه خود برای تحولات اجتماعی‌دموکراتیک خیلیها قاطع میباشد. در حالیکه مبارزه پیگیری را دردو جبهه ـ علیه ارتجاع داخلی وطبقات استثمار گر از یکطرف و علیه انحصارات امپریالیستی از جانب دیگر به پیش میبرد طبقه کارگر وحدت خود را استحکام میبخشد، سطح شعورطبقاتی خود را بالامیبرد وسازمان سیاسی خود را ایجاد مینماید، اما باید در نظر داشت که تشکل وتکامل جنبش کارگری وپیشاهنگ آن، سازمان سیاسی طبقه کارگر پروسه یی طولانی میباشد.

س. کشتمند

از (ص اول)

وسایل وافزار کار...

رشد وتکامل وسایل وافزار کار آنان بعمل نیامده است.

حکومتهای افغانستان در چند نقطه کشور بتظاهرات میان تهی پرداختند ویک عده داسهای جدید وچند تراکتور را منحیث نمونه از خارج وارد کردند که آنرا هم برای چند نفر ملاک بزرگ وبیروکراتهای رشوه ستان بورژوا شده مساعدت نمودند، ازآنجائیکه حکومت های افغانستان تا کنون هیچگونه اقدام اساسی برای ترویج وتبلیغ افزار جدید کار زراعتی در میان دهقانان نکرده اند لذا دهقانان قاعدتاً نخست به استعمال این وسایل عادت و مهارت ندارند و دیگر اینکه حتی از اینگونه افزار کار میترسند.چاره فوری واساسی اینست که اولا دهقانان کشور از حاصل دسترنج خویش بهرمند شوند تا در رشد و تکامل افزار ووسایل کار وافزایش میزان حاصلات زمین کوشش کنند و استعداد های نهفته خویش را ابکار اندازند.

ثانیاً دولت که اینهمه مالیات مستقیم و غیر مستقیم از آنها اخذ میکند، باید وسایل وتکنیک جدید کشاورزی را خریداری نماید و از طریق تأسیس کوپراتیف ها و اتحادیه های زراعتی و دهقانی با شرایط کاملا مساعد در دسترس واستفاده‌آنها بگذارد و صرف اجاره قلیلی از این مدرک در یافت کند. البته این کار باید از طریق نشان دادن فواید وسایل جدید زراعتی به دهقانان صورت گیرد ودهقانان را به استعمال آنها تشویق نماید.

این اقدامات وهمچنین اقدامات ساده دیگر یست که میتواند با اندکی حسن نیت‌واراده انجام‌گیرد.

اما بکمال تأسف باید اظهار داشت که‌هیأت حاکمه افغانستان بنابر ماهیت طبقاتی خویش هرگز نخواهد توانست ویا نخواهد خواست که به‌هیچ‌از اقدامات اساسی در راه نجات توده های عظیم دهقانان کشور دست بزنند!

این وضع هلاکت‌بار معلول‌شرایط نظام فیودالی است که در اغلب کشور های جهان دوران آن سپری شده ودروطن ما افغانستان نیز باید بنفع دهقانان وازطرف دهقانان از طریق اصلاحات اساسی ارضی ازبین‌برده‌شودودهقانان‌کشوراز رنج وسایل وافزار کهن دوهزار ساله کار واستثمار فیودالی آزاد گردد.

دکتور اناهیتا